

آدِلہ کا ملہ

در اثبات

قنوتِ نازلہ

محمد انور برہنشاہی

شیخ الحدیث بجامعۃ العلوم الإسلامیۃ
علامہ یوسف بنوری ٹاؤن کراچی



www.islaminsight.org

آدِلہ کا ملہ

درا ثبات

قنوتِ نازلہ

محمدؐ انور بدخشانی

شیخ الحدیث، جامعۃ العلوم الإسلامیۃ
علامہ یوسف بنوری ٹاؤن کراچی



www.islaminsight.org

جميع الحقوق محفوظة للناسر

2004

Email: umaranwer@gmail.com

Cell: +923333900441

وَقَوْمُوا لِلَّهِ قَنِتِينَ (البقرة)

ادلہ کاملہ

در اثبات

قنوت نازلہ

تألیف

محمد انور بدخشانی

استاذ جامعہ علوم اسلامیہ علامہ بنوری ٹاؤن کراچی

فهرست مضامین ادله کامله

موضوع	موضوع	موضوع
۷۶	قبل از شروع قنوت نازل دست بالا کرده	تهنید
۶۵	شود یا نه ؟	مفهوم لغوی قنوت
۶۶		مفهوم شرعی قنوت
۶۶		دفع یک اشکال
۶۶	قبل از شروع قنوت نازل تکبیر گفته	اقسام قنوت
۶۷	شود یا نه ؟	قنوت وتر
۶۷	در حین خواندن قنوت نازل دستها چگونه باشد ؟	قنوت در نماز فجر
۶۸	مسئله	قنوت نازل
۶۸	مسئله یکم دوم و سوم	درجه تسمیه قنوت نازل
۶۹	مسئله چهارم و پنجم	آغاز قنوت نازل
۷۱	فتوای جامع علوم اسلامیة نیو تاون	یک اشکال
۷۱	راج به قنوت نازل	جواب اشکال اول
۷۲	سوال و جواب	جواب اشکال ثانیاً
۷۲	ذکر لفظ افغانستان یا روس در	جواب اشکال ثالثاً
۷۳	قنوت نماز را فاسد نمی کند	قنوت نازل در کدام نماز خوانده شود ؟
۷۴	فتوای دارالعلوم کراچی راجع به قنوت نازل	محلی قنوت نازل
۷۴	احادیث وارده در باره قنوت نازل	قنوت نازل خفیه خوانده شود یا جهراً ؟
۷۵	الفاظ مختلف قنوت نازل که در کتب	مقدّمی نیز خواند یا آمین گوید ؟
۷۵	حدیث منقول است -	آمین چگونه باید سرّ یا جهراً ؟
۸۸	فرهنگ اصطلاحات	

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تمهید

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا شُعوبًا وَقَبَائِلَ، وَالصَّلَاةُ
وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِهِ مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْأَوَاخِرِ وَالْأَوَائِلِ، وَعَلَى
آلِهِ وَأَصْحَابِهِ الَّذِينَ قَنَتُوا فِي الشَّدَائِدِ وَالنَّوَازِلِ،
أَمَّا بَعْدُ : در احادیث صحیح آمده است که هرگاه بمسلمانی مصیبت
و فاجعه نازل می شد پیغام بر اسلام علیه الصلوة والسلام
در نمازها دعاهای مخصوص رومی خواندند که به نام قنوت نازل مشهور شد
لذا خواندن قنوت نازله فعلاً هم مسنون است، در "در مختار" و
"شامی" هست که قنوت نازله برای هر مصیبت و وبای عام مستحب
است، اکنون که تمام جهان اسلام خصوصاً وطن عزیز ما که در تحت
سیطره عدو اسلام و دشمن بشریت مورد دستهای گوناگون قرار
دارد خواندن قنوت نازله در نمازها موجب نزول رحمت و نصرت الهی
است، پس انکار و تقبیح قنوت نازله مترادف انکار سنت و تقبیح
آن است. و نیز تمام دانشمندان علوم شرعی و ماهرین سنت نبویه
متفق اند که از عصر مبارک نبوی صلی الله علیه و سلم گرفته تا زمان منجوس

قنوت نازل مسنون و معمول بوده است، چنانچه کتب حدیث و
اسفار فقہ مذاہب اربعه از مسائل قنوت نازل و اثبات بقا و عدم
منسوخیت آن مشحون است، و تا حال غیر از بعض جهات متعصب و
منکرین حدیث دیگر کسی از مسنونیت و مشروعیت قنوت نازل انکار
نکرده است.

لذا نظریه خواهش برادر عمه زادم مولوی نورالدین (حفظه الله)
خواستم که مسائل مربوط به قنوت نازل را در روشنی کتب حدیث و
فقہ به عبارات واضح و بیان مدلل و معمول جمع نمایم تا لجام دهان
جاهلان قرن چهاردهم و چرخ راه متبعین سنت مطهره قرار گیرد.
وَمَا ذَلِكُ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ

محمد انور بدخشان (وردی)

۱۳۰۳/۳/۱۳

مفهوم لغوی قنوت

قنوت در لغت بچند معنی استعمال شده است ،

۱- بمعنای طاعت ، چنانچه در سورة احزاب راجع به ازواج مطهرات ارشاد است وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ
کسیکه اطاعت کند از شما خدا در سول وی را و عمل نیک کند مستحق دو اجر و رزق کریم می گردد -

۲- دوم معنای سکوت و در زیدین آمده است چنانچه ارشاد است وَحُودُوا لِلَّهِ قُنُوتًا ایتاده شوید در نماز برای خدا در حالیکه غافوش باشید - راجع تفسیر این آیت عبد الله مسعود و زید بن ارقم میگویند که ما در نماز سخن نکریم و در باره رکعات گذشته از یک دیگر سوال می کردیم که این آیت نازل شد و ما را منع کرده شد از تکلم فی الصلوة -

۳- سوم بمعنای دعای آید چنانچه ارشاد است اَقِمْنَ صُفَاتِكُمْ اِنَّاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا اَوْ قَائِمًا یعنی آیا آن کس بهتر است که در اوقات شب به ذکر و دعا مشغول است در حالت سجده و قیام یا آنکه چنین نیست ؟

۴- چهارم بمعنای قیام می آید - و در حدیث است که از پیغمبر علیه الصلوة والسلام سوال شد اَيُّ الصَّلَاةِ اَفْضَلُ قَالَ طَوَّلُ الْقُنُوتِ چنی کدام قسم نماز زیاده فضیلت دارد ؟ فرمودند نمازیکه قیامش طویل باشد - (تفسیر کبیر ۶ ج ۱ ص ۱۵۷ و ۱۵۸)

مفهوم شرعی قنوت

قال القاری والمراد بالقنوت هنا (فی باب القنوت)
الدعاء وهو أحد معانی القنوت كما فی النهایة وغيره.

(بذل المجهود شرح سنن ابی داود ج ۲ ص ۲۲۵)

ملا علی قاری در شرح مشکوٰۃ می گوید که مراد از قنوت درین جا
دعاست و همان دعا یکی از معانی قنوت است.

دفع یک اشکال

سوال پیدامی شود که اگر قنوت بمعنای دعا باشد پس
دعای قنوت گفتن چه معنی دارد؟ زیرا بظاهر چنین مفهوم می گردد که دعای
دعا.

جواب :- این اضافت میانیه است یعنی دعای خاص که
بنام قنوت یاد می شود، اما دیگر ادعیه نام مخصوص ندارند لذا اضافت
آنها باعث بار محل یا ظرفیت می شود مثل دعای جنّزه، دعای
وقت خواب و دعای وقت سواری و دعای وقت افطار.

اقسام قنوت

القنوت فی الصلوة علی أصناف (۱) قنوت فی الوتر.

(۲) وقنوت فی صلاة الفجر دائماً (۳) وقنوت فی النوازل أحياناً.

(معارف السنن ج ۲ ص ۱۷)

قنوت در نماز بر سه قسم است (۱) قنوت وتر (۲) قنوت در نماز فجر دائماً

(۳) قنوت در وقت نزول حوادث گاه گاه.

۱- قنوت وتر

قنوت وتر معروف است که نزد احناف در تمام سال واجب است و نزد امام مالک در تمام ماه رمضان و نزد امام شافعی در نصف اخیر ماه رمضان مسنون است. و محل قنوت وتر نزدیک قبل از رکوع است، چون در قنوت وتر حدالی نهیت لهذا بحث مربوط آن را صرف نظر می کنیم.

۲- قنوت در نماز فجر

امام مالک می گوید که قنوت در نماز صبح دائماً مستحب است.

امام شافعی می گوید که سنت است، اما نزد امام ابوحنیفه و صاحبین و عبد الله بن المبارك و سفیان ثوری و لیث بن سعد و امام احمد بن حنبل و یک جماعت کثیر از تابعین قنوت دائمی در نماز فجر بکلی نهیت نیست.

همین عدم ثبوت از یک جماعه صحابه مثل ابو بکر صدیق و عمر فاروق و عثمان غنی و علی مرتضی و جم غفیر امثال اینها مروی است. حدیثی از عبد الله بن مسعود و غیره بر قنوت نماز فجر در محمول کرده اند که در حین نزول شدت

جاری و ساری می باشد. (معارف السنن ج ۲ ص ۱۷)

۳- قنوت نازل

أما الثالث فمتفق بين الأمة - (معارف التنج ج ۴ ص ۱۸)

علامه بنوری در ج ۴ معارف التنج شرح ترمذی می گوید که
اما سیوم یعنی قنوت نازل ثابت است به اتفاق و اجماع تمام امت مسلمة
وما يفهم من كلام ابن الصمام في "الفتح" من أن القنوت
النازلة نسخ فلا يؤخذ به حيث حكى البدر العيني في "البنية"
جوازه عن الامام أبي حنيفة نقلاً عن الطحاوي (معارف التنج ج ۴ ص ۱۹)
آنچه از کلام صاحب فتح القدير مفهوم می شود که قنوت نازل منسوخ
شده است قابل اخذ و اعتبار نیست زیرا که بدرالدین عینی در بنایه
بشرح هدایه جواز و بقای قنوت نازل را از امام ابوحنیفه بحواله امام
لمحادی نقل کرده است -

و رد المحتار چنین است : ای شرعية القنوت في النوازل
مستقرة وهو محل قنوت من قنت من الصحابة بعد وفاة عليه
الصلاة والسلام وهو مذهبنا وعليه الجمهور ۲۵ ص
مشروح بودن قنوت نازل یک امر دائمی است و بر همین محمول است قنوت آن
صحابیکه بعد از وفات نبی علیه الصلوة والسلام قنوت خوانده اند (در نماز صبح) همین
است مذهب ما و مذهب جمهور علماء

وجه تسمیه قنوت نازل

قال في الصحاح : النازلة الشديدة من شدائد الدهر
ولا شك أن الطاعون من أشد النوازل - (رد المحتار ج ۲ ص ۲)

در صحاح گفته است که نازل عبارت است از یکی سختی از سختی های
زمانه. درین شک نیست که وبایم از سخت ترین حوادث است.
پس مفهوم قنوت نازل عبارت است از دعای اجتماعی در
وقت هر سختی که به مسلمانان نازل شود

آغاز قنوت نازل

در ماه صفر سنه ۱۰۰ عامر بن مالک (عوف) ابو برار در خدمت نبوی
صلی الله علیه وسلم حاضر شده چیزی هدیه تقدیم کرده نبی کریم صلی الله علیه وسلم
هدیه را (که در حقیقت رشوت بود) قبول نکرد بلکه ابو برار را بطرف
اسلام دعوت داد، ابو برار نه از اسلام انکار کرد و نه قبول بلکه
عرض کرد که اگر چند نفر از اصحاب را بطرف بخیر دان کنی خیلی خوب است تا که مردم را
بطرف اسلام دعوت دهند، من امید قوی دارم که مردم قبول
می کنند نبی کریم صلی الله علیه وسلم فرمودند که من به اهل نجیقین ندارم که
اسلام را قبول کنند بلکه خطره است که داعین را ضرر میرسانند ابو برار
گفت من تضمین می کنم که دعا را چیزی نخواهند گفت نبی صلی الله علیه وسلم
به فتاد صحابه فرما که بنام قرآن مشهور بودند مجتهد نموده در امارت مندر بن عمرو
ساعدی ارسال فرمودند. جماعه مبلغین رفته در مقام بیزحونه که در میان
مکه مکرمه و عسفان واقع است پایان شده قیام کردند، پیغمبر صلی الله
علیه وسلم یک مکتوب بنام عامر بن طفیل برادر زاده ابو برار و سردار

بنی عامر بدست حرام بن ملحان نیز ارسال نمودند. در پیرامونی که رسیدند حرام بن ملحان خواست که مکتوب مبارک را به عامر بن طفیل حواله کند مگر قبل از وصول مکتوب یک شخص را اشاره کرد و بقتل حرام بن ملحان، آن شخص یک نیزه زد که از پشت به شکم آن نفوذ کرد و از زبان حرام بن ملحان این کلمه بیرون شد: الله اکبر فُرْتُ و رِبْتُ الکعبة. عامر بن طفیل قبیله بنی عامر را بقتل بقیه صحابه حکم کرد لیکن عکاش ابو برار چونکه آنها را پناه داده بودند از قبیله بنی عامر از همکاری عامر بن طفیل انکار کردند عامر چونکه از قبیله خود با یوس شد به بنی سلیم رنج کرد و چنانچه عَصِیّه در عل و ذکوان به انداد عامر بن طفیل آمادہ شدند آخر همه قبا ئل اتحاد سه گانه تشکیل داده غیر از کعب بن زید انصاری دیگر تمام صحابه را شصید کردند علاوه از کعب بن زید و نفر دیگر نیز محفوظ مانده بودند. منذر بن محمد و عمرو بن امیه ضمیری چون این دو یکدایم کاری رفته بودند، این دو که خبر شدند فوراً بمقابل گفتار شکر گرفتند چنانچه منذر شهید شد و عمرو بن امیه گرفتار کعب را که مرده دانسته ترک کرده بودند، چون به هوش آمد گر خفته خود را خلاص کرد و بعد از غزوه خندق شصید شد.

نبی کریم صلی الله علیه وسلم چون ازین فاجعه خبر شدند بی انتہای غمیگین معلوم میشدند چنانچه تا یک ماه در نماز صبح در حق همان اتحاد سه گانه عَصِیّه، رعل و ذکوان قنوت خوانده دعای بد میکردند. این بود

آغاز قنوت نازل و پس منظر آن - (فتح الباری ج ۷ ص ۲۹۶ و ص ۲۹۷)

زرقانی ج ۲ ص ۷۸، خصائص کبری ج ۲ ص ۲۲۳

وفی اثناء التثنی ج ۶ ص ۵۸ قلت احادیث انس المخرجة
فی الصحاح کلمات تدل علی تخصیص القنوت بالنزلة وانه کان موقفاً
بشهر احد (فی هذه النازلة) و ان بدء القنوت کان فی وقعة القتال
سکمه حیث غدر بهم عدل و ذکوان و عصیة

یک اشکال

اشکال این است که عده کثیر از مفسرین این آیه سورة
آل عمران را نسخ قنوت نازل قرار داده اند، آیه مبارکه این است:
لَیْسَ لَکَ مِنَ الْاَمْرِ شَیْءٌ اَوْ یَتُوبَ عَلَیْهِمْ اَوْ یُعَذِّبَهُمْ فَاِنَّهُمْ ظَالِمُونَ
در محامله این کفار شمارا اختیار می نیست خواه خدا آنها را توفیق
توبه دهد و خواه عذابشان دهد که آنها ظالم اند.

جواب اشکال

جواب اول: در بخاری شریف ج ۲ ص ۵۸۲ از سالم مرسل
روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم در حق صفوان بن امیه
و سهیل بن عمرو و عارت بن هشام در نماز دعای بد میگردند
تا آنکه الله تعالی این آیت مبارکه را نازل کرد یعنی دعای بد در حق عامه
گفتار را الله تعالی منع نه کرده است بلکه دعای بد در حق سه افراد
مخصوص را منع کرده است.

چنانچه ابن حجر عسقلانی در فتح الباری ج ۷ ص ۸۱ می گوید که
 همین سه نفر در اثنای فتح مکه مشرف به اسلام شدند غالباً از همین
 سبب دعای بدر را در حق ایشان الله تعالی منع فرموده آیت را
 نازل کرد. جواب دوم

عن انس شَجَّ رسول الله صلى الله عليه وسلم يوم أحد
 فقال كيف يفلح قوم مشجوا نبيتهم فنزلت لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ
 شَيْءٌ (بخاری ج ۲ ص ۵۸۲)

در صحیح مسلم چنین است

عن انس أن رسول الله صلى الله عليه وسلم كسرت رباعيته
 يوم أحد وشَجَّ في رأسه فجعل يسلم الدمع عنه ويقول كيف
 يفلح قوم مشجوا نبيتهم وكسروا رباعيته وهو يدعوهم إلى الله
 فأنزل الله لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ الآية .

جواب سوم : نزول آیت در سه در غزوه أحد
 بوقوع آمد، واقعه قراءه و قنوت نازل در ماه صفر سه در معرض وجود
 آمد آیا نسخ از منسوخ یک سال مقدم می باشد، این اصول نسخ را
 از کجا ایجاد کرده باشند؟ این کدام قضیه مجهول نیست که خود
 را به بهانه نسخ خلاصی کنند بلکه مربوط بارتخ است که تقدیم و
 تاخیر آن با هوش معلوم است .

پس معلوم شد که لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ درباره

قنوت نازل نیست بلکه درباره اشخاصی وارد است که دندان مبارک را در غزوه اُحد شکستند و بر مبارک راز خمی کردند لهذا سبب نزول آیت قنوت نازل را قرار دادن از خلط رُداة است -

قنوت نازل در کدام نماز خوانده شود؟

(ولا یقنت لغيره) الا النازلة قیقت الامام فی الجهریة

(الدرا المنیر بمجاش رة المختار ج ۲ ص ۱۱)

در غیر و تر قنوت خوانده نه شود مگر قنوت نازل را که در نمازهای جهریه خوانده می شود -

اگر چه بعضی علمای احناف قنوت نازل را به نماز فجر مخصوص شمرده اند لیکن مفتی به آن است که در هر نماز جهریه خواندن قنوت نازل درست بلکه مسنون است - اگر چه "شامی لفظ فی الجهریة" را محرف از فی الفجر قرار داده است لیکن در بنایه شرح هدایه علامه عینی همین لفظ جهریه را اختیار کرده است - پس معلوم شد که محرف نیست -

اما روایات وارده در جمیع صلوات را بر نسخ محمول کرده اند - چون پیغمبر علیه الصلوة والسلام به قنوت نمازهای خفیه مثل نمازهای جهریه خصوصاً نماز فجر مواظبت نکردند و از عامه اصحاب منقول است

محل قنوت نازل

از حدیث انس که در بخاری و مسلم مروی است و علای احث
 آنرا بر قنوت نازل محمول کرده اند در آن قنوت نازل بعد از رکوع خوانده شده
 است تا یک ماه که بر علیه رعل و ذکوان آنحضرت صلی الله علیه و سلم دعا
 می کردند و مقتدیان آمین می گفتند بعد از رکوع بود پس از
 سَمِعَ اللهُ لِمَنْ حَمِدَهُ گفتن امام و رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ گفتن مقتدیان
 و در رد المحتار است که وَالَّذِي يَظْهَرُ أَنَّهُ يَقْتَضِي
 الرُّكُوعَ لِقَبْلِهِ - ج ۴

خلاصه آنکه ابن عابدین هم در فتوی خود قنوت نازل را بعد از رکوع گفته است
 و در استدلال همین حدیث قنوت فجر را ذکر کرده است

قنوت نازل خفیه خوانده شود یا جهرا؟

در جزء ۶ اعلام السنن چنین است و أَمَّا الثَّالِثُ فَقَدْ تَقَدَّمَ أَهْلَامُ
 عَلَيْهِ مُسْتَوْفَى وَالمُخْتَارُ أَنْ يَجْهَرُ بِهِ لِثَبُوتِ جَهْرِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 وَعَمْرٍاهُ ص ۶۷

راجع به خفیه یا جهر خواندن قنوت نازل بحث کاملاً در سابق ذکر
 شد مختار و اولی جهر خواندن آن است زیرا منقول از نبی علیه الصلوة
 و السلام و حضرت عمر جهرا آن است.

مقتدی چه باید کرد قنوت خواند یا آمین گوید؟

قلت و قد تقدّر أن المختار فيه جهر الامامة فيؤمن
المقتدى لا غير، وقد مرّ في حديث ابن عباس قال قنّت رسول الله
صلی الله علیه وسلّم شهراً متتابعاً الحديث وفيه ويؤمن من
خلفه - (اعلام السنن ج ۶ ص ۲۶ بحواله شامی)

در سابق ذکر شد که ادلی در قنوت نازل بهر است و وظیفه
مقتدی فقط آمین گفتن است و بس، چون در حدیث ابن عباس
رضی الله عنهما گذشت که نبی علیه الصلوة والسلام یک ماه پی در پی
قنوت نازل خواندند و در آن نیز ذکر است که مقتدی با آمین می گفتند.

مقتدی سرّ آمین گوید یا جهرّاً؟

آنانکه به آمین بالجهر قائل اند در قنوت نازل هم آمین را جهرّاً میگویند
و آنانکه به آمین بالسرّ قائل اند در قنوت نازل هم خفیه آمین میگویند
خلاصه این است که نزد احناف باید سرّاً آمین گفته شود و نزد غیر
احناف جهرّاً، لیکن باید دانست که این اختلاف در جواز و عدم جواز
نیست بلکه فقط در ادلی و عدم ادلی است، جنگ و جدل درین نشان
حماقت و جهالت است.

آیا قبل از شروع قنوت نازل دست بالا کرده شود یا نه؟

نعم مقتضی اطلاقهم ان من محال الرفع القنوت وهو یتم
قنوت النوازل ایضاً ان یرفع یدیه عنده (اعلاء السنن ج ۲ ص ۷۱)
باید دست بالا کرده شود چون از اطلاق اقوال فقهاء که یک
محل رفع ید قنوت است و قنوت عام است نازل و غیر نازل را،
معلوم میشود که در قنوت نازل نیز قبل از شروع دست بالا کرده شود
لیکن دلیل احاف که اثر ابراهیم نخعی است و در طحاوی بسند صحیح
منقول است در آنجا لفظ قنوت الوتر مذکور است ازان معلوم
میشود که در غیر قنوت وتر دست را تا برابر گوش بالا کردن نیست
بهر صورت در هر دو گنجائش است.

آیا قبل از شروع قنوت نازل تکبیر گفته شود مثل قنوت وتر یا نه؟

اگر چه در قنوت وتر تکبیر گفته دست را بالای کنند نظر به این باید
در قنوت نازل هم تکبیر گفته شود، لیکن تکبیر قنوت وتر برای فصل است بین
قرائت و قنوت، و در قنوت نازل که بعد از رکوع خوانده میشود فصل
رکوع خود حاصل است که حاجت به تکبیر نمی ماند.

حاصل جواب آنکه ثبوت تکبیر برای شروع قنوت نازل صراحتاً
نیامده است، نظریه حکمت تکبیر دیده شود که آن برای انتقال از یک رکعت

بدیگر رکن است، در قنوت نازل آن حکمت فعل رکوع و سَمِعَ اللهُ
لِمَنْ حَمِدَهُ حاصل می شود پس حاجت تکبیر باقی نمی ماند.

(خلاصه از اعلام الشن ج ۶ ص ۷۷)

در عین خواندن قنوت نازل دستها چگونه باشند؟

والمحصل انه يضع عند الشيخين في القنوت سواء
كان قبل الركوع (كما في قنوت الوتر) او بعده (كما في قنوت
النوازل) وعند محمد يوصل - (اعلام الشن ج ۶ ص ۷۷ بحواله شامی ص ۵۹)

نزد امام ابوحنیفه و امام ابو یوسف دست را بالای دست
می ماند مثل حالت قرائت و نزد امام محمد دست ها را کشال میگیرد
مفتی به قول اول است. چنانچه در قنوت و ترمیم وضع است

مسئله: بلی بالا کردن دست ها به برابر سینه یا برابر وجه

مثل هیئت دعا بالاتفاق جائز نیست. دلیل آنکه ثلاثه قول
ابن عمر است. در باره رفع یدین برای قنوت خواندن که فرمود
ارأیت رفعکم أیدیکم فی الصلوة والله انه لبدعة ما زان
رسول الله صلى الله عليه وسلم على هذا أقط فرفع یدیه حیا
منکبیز (اعلام السنن ص ۴۴) و فيه بشر بن حرب ضعفه احمد و ابن معین و ابوزعنة

و أبوحاتم و النسائی ج ۶ ص ۵۱

لیکن روایت از خود نبی علیه الصلوة والسلام و حضرت عمر

رفع یدین است در وقت خواندن قنوت نازل. لذا دیگر آنرا به رفع یدین قائل اند.

امام طحاوی از فرج غلام آزاد کرده امام ابی یوسف رقت نقل کرده است که امام ابو یوسف در قنوت و تردست های خود را مثل حالت دعا بالامی کرده. بعضی محدثین این روایت را شاذ گفته اند. صاحب اعلام السنن می گوید: قلت و علی هذه الرواية الشاذة عن أبي يوسف يجوز رفع اليدين هذا الوجه في القنوت النازلة ايضا عنده لكونه دعاء و عليه عمل الشافعية والله اعلم. (ج ۶ ص ۷۸)

پس معلوم شد که هر دو را گنایش است لذا این مسئله جزئی مورد نزاع قرار دادن منافی علم است. چنانچه عبارت اعلام السنن را ملاحظه کنید:

و أما قوله رأيت رفعكم أيديكم في الصلوة والله انه بدعة. ففيه دليل على كراهة اطالة رفع اليدين في القنوت كما ترفعان في الدعاء خارج الصلوة وليس معناه أن مطلق رفع اليدين للقنوت بدعة لان قوله ما زاد رسول الله صلى الله عليه وسلم على هذا اقط فرفع يديه حيال منكبيه يفيد سنية رفعهما له في الجملة ولا بد من التغاير في الرفع الذي جعله بدعة والذي اثبت فالظاهر أنه كره اطالة رفعهما كما ترفعان في الدعاء خارج الصلوة واثبت رفعهما حيال المنكبين سنة الى آخر ما قال وقد

تقدّم أنّ نفس رفع اليدين للقنوت ثابت عن عمر في الفجرو
عن ابن مسعود في الوتر، فبعد عن ابن عمر جعله بدعة،
وفي الآخر يقول والحديث يفيد بمفهومه ثبوت رفع
اليدين للقنوت عن النبي صلى الله عليه وسلم (أي الرفع للدعاء
لأشروع القنوت كالوتر) ج ۶ ص ۵۷ و ۵۸

مولانا مفتی محمد شفیع صاحب مرحوم در یک رساله کوچک خود راجع به
قنوت نازلہ چند مسائل تحریر کرده است کہ اینجا درج می شود:

- ۱- مسئلہ :- خواندن این دعا (قنوت نازلہ) سنت ایدی نیست
بلکہ ہر گاہ یہ مسلمان آفت و مصیبت عامہ نازل میشود ہمان وقت
باید خواندہ شود و بعد از زوال مصیبت ترک کردہ شود (زاد المعاد شاہ)
۲- مسئلہ :- خواندن قنوت نازلہ در نماز فجر در وقت نزول
حوادث نزد جمہور احناف مستحب است۔ بلکہ در نماز مغرب و عشاء
بعض احناف مستحب می گویند و بعض دیگر منع می کنند۔ (معارف دہلی بحوالہ شاہ)
اما در نماز ظہر و عصر باتفاق خفیفہ و جمہور ائمہ مشرعیّتش باقی نماندہ است
۳- مسئلہ :- در رکعت دوم نماز صبح بعد از رکوع اما باواز
بلند قنوت می خواند و مقتدی ~~بجائے~~ آہستہ آہستہ آہستہ می گوید،
باید کہ مقتدی بعد از ہر حمد دعائیہ آہستہ آہستہ بگوید (چنانچہ برای آسانی
در وسط دعا بعد از ہر حمد لفظ آہستہ آہستہ می گویم)۔

در بخاری شریف بروایت ابو ہریرہ دعا بعد از رکوع باکواز

بلند خواندن صراحتاً مذکور است -

۴ مسئله: در قنوت نازل نه مثل قنوت و تردست همراه بالا کرده می شود و نه تکبیر گفته می شود. لهذا هر مقتضی الاشارة بولع از من تعرض له من فقهاً، (شای)

۵ مسئله: در هنگام خواندن دعای قنوت باید دست با کشال باشد. متنا

فتوای جامع علوم اسلامیة نبوی تا ون راجع به قنوت نازل

سوال :- علمای کرام درین مسئله چه میفرمایند ؟

۱ - آیا قنوت نازل در وقت حوادث خوانده شود یا خیر، منسوخ

شده است ؟

۲ - در صورت عدم نسخ ذکر لفظ "افغانستان" و "روس" و

امثال آن مفسد صلوة واقع نمی شود ؟

عنايه جواب مبرهن و مستند تحریر دارید -

واجزك على الله

المستفتی :- محمد نور بدخشانی

۱۳۴۰/۳/۲۷

الجواب

باسمہ تعالیٰ

۱ - در صورت مسؤل قنوت نازل خواندن بوقت نزول فتنه

و حوادث از عهد نبوی تا این زمان جاری و ساری، جائز و مسنون است

هیچ کس ادعای نسخ نه کرده ، تمام فقها ر حنفیه جواز نقل می کنند ،
چنانچه در "رد المحتار" للشامی هست : قوله فيقنت الامام في
الجهرية يوافقه ما في البحر والشرنبلالية ، عن شرح النقاية
عن النهاية وان نزل بالمسلمين نازلة قنت الامام في الصلوة
الجهرية وهو قول الثوري واحمد . ويؤيد ما في شرح المنية حيث
قال بعد كلام فتكون شرعيته اى شرعية القنوت في النوازل
مسترة وهو محمل قنوت من قنت من الصحابة بعد وفاته
عليه السلام وهو مذهبنا وعليه الجمهور اهـ (رد المحتار ج ۲ مك)
۲- بذكر لفظ "افغانستان" و"روس" نماز فاسد نمی شود زیرا که
خود نبی کریم صلی الله علیه وسلم در قنوت نازل نام قبیلہ بار آورفته اند
چنانچه امام طحاوی در شرح معانی الآثار از ابو هريره روایت
نقل می کند : كان رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول حين
يُفرغ من صلاة الفجر من القراءة ويكبر (للكوع) ويرفع
رأسه ويقول سمع الله لمن حمده ربنا ولك الحمد يقول وهو قائم
اللهم انج الوليد بن الوليد سلمة بن هشام وعياش بن ابي ربيعة
والمستضعفين من المؤمنين . اللهم اشد وطئتك على مضر
واجعلها عليهم كسنى يوسف . اللهم العن لحيان ورعلاً و
ذكوان وعصية عصت الله ورسوله . اهـ ج ۱ ص ۱۱۸
لهذا ذكر افغانستان وروس در قنوت مفسد نماز نیست .

دار الافتاء جامع اسلاميه

بنوری ٹاؤن کراچی

۱۴۰۳/۴/۷ هـ

فتاوی دارالعلوم کراچی راجع بقنوت نازلہ

سوال :- علمای کرام چه میفرمایند درین مسئلہ کہ

۱ - آیا قنوت نازلہ در وقت نزول حوادث خوانده شود یا غیر

منسوخ شده است ؟

۲ - در صورت عدم نسخ ذکر لفظ "افغانستان" و "روس" و

امثال این ہا کہ الفاظ ماثورہ نیستند آیا مفسد نماز واقع نمیشوند؟

لطفاً جواب را مبہن و مستند تحریر دارید و اجوکم علی اللہ .

المستفتی :- محمد انور بدخشان

۱۴۰۳ / ۴ / ۷ھ

الجواب

قال الخطابی فیہ ای فی الحدیث الذی فیہ الدعاء علی الکفار باسمائهم دلیل علی جواز القنوت فی غیر الوتر (الی قوله) وعلی ان الدعاء لقوم باسمائهم لا یقطع الصلوة وان الدعاء علی الکفار والظلمة لا یفسدها - (الی أن قال) قال ابن الملک : وهذا یبدل علی أن القنوت فی الفرض لیس فی جمیع الاوقات بل اذا نزلت نازلة بالمسلمین من قحط او غلبة عدو غیر ذلک . وقد روی عن الصدیق أنه قنت عند محاربة الفصاة مسیلة الکذاب وعند محاربة اهل الکتاب ، وكذلك قنت

احادیث واردہ دربارہٴ قنوتِ نازلہ

در فتح الملهم ج ۲ - ۳ هست فدعا بذكر خمسة عشر
يومًا حتى اذا كان صبيحة يوم الفطر ترك الدعاء فسأله عمر فقال
اما علمت انهم قد مءوا -

در بخاری ص ۱۳۷ در آخر حدیث بالا این هست: قال ابن الجوزی
(الاصح) عن ابیه: هذا كله في الصبح.

٢ - عن ابن بن مالك قال كان القنوت في المغرب والعصر بخاري ج - ١٣١

٣ - عن أنس بن مالك قال دعا رسول الله صلى الله عليه وسلم
 علوة من الذين قتلوا أصحاب بئر معونة ثلاثين صباحاً يدعو على
 رجل وذكوان ولحيان وعصية عصت الله ورسوله
 (مسلم ج - ١ ص ٢٣٧)

٤ - عن البراء بن عازب أن رسول الله صلى الله عليه وسلم
 كان يقيت في الصبح والمغرب. (مسلم ج - ١ ص ٢٣٧)

٥ - عن عاصم قال سألت أنس بن مالك عن القنوت،
 فقال قد كان القنوت، قلت قبل الركوع أو بعده؟ قال
 قبله، قال فإن فلاناً أخبرني أنك قلت بعد الركوع،
 فقال كذب، إنما قنت رسول الله صلى الله عليه وسلم
 بعد الركوع شهراً، أراه كان بعث قوماً يقال لهم القراء
 زهاء سبعين رجلاً إلى قوم من المشركين دون أولئك
 وكان بينهم وبين رسول الله صلى الله عليه وسلم عهد
 فقتل رسول الله صلى الله عليه وسلم شهراً يدعو عليهم.
 (بخاري ج - ١ ص ١٣)

٦ - عن أنس أن النبي صلى الله عليه وسلم كان لا يقيت إلا إذا
 دعا لقوم أو دعا على قوم، رواه ابن خزيمة في صحيحه كما في
 فتح الباري. (ج - ٢ ص ٢٨٨)

٧ - وفي صحيح ابن حبان هكذا

عن أبي هريرة كان رسول الله صلى الله عليه وسلم لا يقيت
 في الصبح إلا أن يدعو لقوم أو يدعو على قوم.

(اعلام السنن ج - ٢ ص ٥٩)

۸ - عن ابن عباس قال قنت رسول الله صلى الله عليه وسلم شهراً امتتاعاً في دير كل صلوة يبدعو على رعل وذكوات وعصية ويؤمن من خلفه ، رواه ابو داود واحمد وزاد احمد قال عكرمة (الراوى عن ابن عباس) كان هذا مفتاح القنوت
 ۹ - عن الاسود قال كان عمر اذا حارب قنت واذا لم يحارب لم يقنت ، رواه الطحاوى واستاده حسن
 (اعلام السنن ج ۲ ص ۶۱)

۱۰ - عن الشعبي قال لما قنت على في صلوة الصبح انكر الناس ذلك فقال على انما استنصرنا على حدونا . رواه ابن ابى شيبة وسنده صحيح (اعلام السنن ص ۶۵)

الفاظ مختلف که در کتب حدیث راجع به قنوت نازل منقول است

اللَّهُمَّ اهْدِنَا فِيمَنْ هَدَيْتَ ط (آمین) وَعَافِنَا فِيمَنْ
 يَا اللَّهُ ! ما را نیز هدایت کن در جمله کسانی که هدایت کرده آنها را و ما را نیز عافیت ده در جمله کسانی
 عَافَيْتَ ط (آمین) وَتَوَلَّانَا فِيمَنْ تَوَلَّيْتَ ط (آمین) وَبَارِكْ
 که عافیت داده آنها را و بدویش گیر حل مشکل ما را و بدویش گرفته ای حل مشکل ایشان و مبارک گرد
 لَنَا فِيمَا أَعْطَيْتَ ط (آمین) وَقِنَا شَرَّ مَا قَضَيْتَ ط (آمین)
 آنچه که ما را داده ای و نگاه دار ما را از شر آنچه که فیصله نموده ای
 إِنَّكَ تَقْضِي وَلَا يُقْضَى عَلَيْكَ ط وَإِنَّهُ لَا يَكْذِبُ
 چونکه تو اختیار هر فیصله را داری و بر علیه تو کسی فیصله کردن نمیتواند و ذلیل نخواهد شد

مَنْ وَالَيْتَ ۚ وَلَا يَعْزُ مَنْ عَادَيْتَ ۚ

کسیکه ادرادوست خود گردانیدی و عزت نخواهد یافت کسیکه با تو دشمنی کند

تَبَارَكَ رَبَّنَا وَتَعَالَيْتَ ۚ نَسْتَغْفِرُكَ

تویی سرچشمه همه برکات، اے پروردگار ما و تویی دارای مراتب عالیه ما از تو مغفرت میخواهم

وَنَسْتَغْفِرُكَ إِلَيْكَ ۚ اللَّهُمَّ أَنْجِ الْمُسْتَغْفِرِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

و به طرف تو رجوع می کنیم یا الله! نجات ده مسلمانان مستضعف را

اللَّهُمَّ اشْدُدْ وَطَأَتَكَ عَلَى مَنْ عَادَا هُمْ ۚ (آمین)

یا الله! سخت کن عقوبت خود بر کسانی که عداوت دارند با مؤمنان

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَنَا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ

یا الله! مغفرت کن گناه ما را و گناه تمام مردان و زنان مؤمن و مسلمان را

وَأَصْلِحْهُمْ وَأَصْلِحْ ذَاتَ بَيْنِهِمْ ۚ (آمین) وَالف بَيْنَ

و درست کن احوال افرادی و اجتماعی شان را ، و در دلهایشان به یکدیگر

قُلُوبِهِمْ ۚ آمین وَاجْعَلْ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَالْحِكْمَةَ ۚ (آمین)

محبت پیدا کن و منور کن دلهایشان را از ایمان و حکمت

وَتَثَبِّتْهُمْ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِكَ ۚ آمین وَأَوْزِعْهُمْ

و ثابت قدم دار ایشان را به دین پیغمبر خود و توغیث ده ایشان را

أَنْ يَشْكُرُوا نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ ۚ (آمین)

تا شکر انعامات تو را بجا آرند

وَأَنْ يَتُوفُوا بِعَهْدِكَ الَّتِي عَاهَدْتَهُمْ ۚ (آمین) وَأَنْصُرْهُمْ

و تا که وفا کنند بآن عهدیکه با تو کرده اند و مدد کن ایشان را

عَلَى عَدُوِّكَ وَعَدُوِّهِمْ ۚ (آمین) إِلَهَ الْحَقِّ

در مقابل آنانکه دشمن تو و دشمن آنها اند اے معبود برحق!

سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ غَيْرُكَ ط اللَّهُمَّ اَعِزِّ الْإِسْلَامَ

پاکی است ترا و نیست معبودی غیر از تو یا الله! غالب کن اسلام

وَالْمُسْلِمِينَ ط آمین وَاخْذِلِ الْكَافِرَةَ أَهْلَ الْكِتَابِ

و مسلمانان را، و ذلیل کن کفار را خواه از اهل کتاب

وَالْمُشْرِكِينَ وَالشُّبُوحِ عَيْنَ وَالرُّوسِيَّيْنَ وَالْمُلْحِدِينَ الَّذِينَ

و مشرکین باشند یا از شرک‌آیین و شوروی‌ها و یا از ملحدین جدید، آنانکه

يَجْحَدُونَ آيَاتِكَ وَيُكَذِّبُونَ رُسُلَكَ وَيَقَاتِلُونَ

منکراند از احکام تو و تکذیب می‌کنند پیغام‌بران تو را و می‌کشند

أَوْلِيَاءَكَ ط آمین اللَّهُمَّ خَالَفَ بَيْنَ كَلِمَتِهِمْ ط آمین

دوستان تو را یا الله! اختلاف پیدا کن در کلمات و فیصله بایشان،

وَشَتَّتْ شَمْلَهُمْ ط (آمین) وَمَزَّقْ جَمْعَهُمْ ط آمین

و پاره پاره ساز طاقت‌شان را و ریزه ریزه کن سازمان بایشان،

وَزَلْزَلْ أَقْدَامَهُمْ ط (آمین) اللَّهُمَّ خُذْهُمْ أَخْذًا

و بلغزان قدم‌هایشان را یا الله! مواخذه کن ایشان را چنانکه یک

عَزِيزٍ مُّقْتَدِرٍ ط (آمین) اللَّهُمَّ أَهْلِكُهُمْ كَمَا أَهْلَكْتَ

صاحب قدرت کامل مواخذه می‌کند یا الله! بپلاک کن ایشان را چنانکه بپلاک کردی

عَادًا وَثَمُودًا ط (آمین) وَأَنْزِلْ بِهِمْ بِأَسْكَ الذِّئْبِ

عاد و ثمود را و نازل کن بر ایشان آن عذاب را

لَا تَرُدَّهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ

کرد و باره رد نمی‌کنی از مجرمین

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ الْكَرِيمِ

و محبت خدا باد بر نبی کریم .

فرهنگ اصطلاحات

- رهن : گرو کردن
 راهن : گروکننده
 مرتحن : گروگیرنده
 مرهون : چیز گروی
 انتفاع : نفع گرفتن، متمتع شدن
 ربح : فایده، نفع
 اذن : اجازت
 ربا : سود
 قبضه : در تصرف خود گرفتن
 جائز الوفا : بوعده خود وفاء نموده فسخ بیع را جایز شمردن
 استیثاق : محکم نمودن
 قنوت : دعا
 نازل : حادثه، سختی
 جهراً : با آواز بلند
 سراً : با آواز پست
 اشکال : اقتراض، سوال
 دفع اشکال : جواب سوال

مژده نیک

(۱) عدل اسلامی یا مساوات اشتراکی (فارسی) (۲) آئینه مجاهد (۳) مصحح باقران
 انشاء الله به نزدیکی مورد استفاده قرار خواهند گرفت